

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام، چگونه جرم، جنایت و بی‌نظمی را مهار و کنترل می‌نماید؟

(ترجمه)

در این روزها بحث‌های داغ پیرامون قانون، عدالت و امنیت همه‌جا را فراگرفته است. شایع است که این موارد از جمله با ارزش‌ترین موضوعات اخلاقی جامعهٔ دموکراتیک به حساب می‌آید. هر دولت برای شهروندانش وعده‌ی یک کشور امن و عادل را سر می‌دهد. اما، واقعاً حقیقت همین است؟ آیا واقعاً در زمان زندگی می‌کنیم که عدالت و قانون‌گرایی من‌حیث سمبول موفقیت در جامعه وجود دارد و بشریت در صلح و آرامش به سر می‌برند؟ و یا هم برعکس همهٔ کشورهای جهان تحت سایهٔ جهل‌ونادانی قرار گرفته است و با جرم‌وجنایت، بی‌نظمی، بی‌قانونی و هم‌چنان با عدم امنیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند؟

هر از گاهی ما نگاهی کوتاه بر اوضاع جاری جهان بیندازیم، چهرهٔ واقعی وضعیت جاری را که بشریت دامن گیر آن شده است را به خوبی در خواهیم یافت. بر اساس گزارشات "اقتصاد جهانی" حد‌اوسط میزان دزدان در سال ۲۰۱۶م از هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر به ۷۸۳ دزد می‌رسید. بلندترین رقم را کشور دنمارک دارا بود که از هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر ۳۹۴۹ تن آن را دزدان تشکیل می‌داد. بر اساس گزارش "نیوما" کشور "سلوادور" بلندترین میزان خودکشی را در جهان داراست. گرچه در سال ۲۰۱۶م میزان خودکشی در این کشور از هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر به ۸۲٫۲ قضیه می‌رسید. کشورهای هندوراس، وینزویلا، جامایکا، و بلیز از جملهٔ پنج کشور برتر در عرصهٔ خودکشی به شمار می‌آیند. کشور "چیلی" بلندترین میزان سرقت را در جهان داراست. در سال ۲۰۱۶م میزان سرقت در کشور چیلی در ۱۰۰،۰۰۰ نفر به ۱،۱۹۳،۹ قضیه می‌رسید. کشورهای دنمارک، آستریا، سویدن و آسترالیا از جملهٔ پنج کشور برتر در عرصهٔ سرقت در جهان می‌باشند. کشور "ارجنتاین" بلندترین میزان دزدی در جهان را داراست. در سال ۲۰۱۶م میزان دزدی در کشور ارجنتاین در ۱۰۰،۰۰۰ نفر به ۹۸۸،۹ قضیه می‌رسید. کشورهای چیلی، یوروگوای، اکوادور و پاراگوای از جملهٔ پنج کشور برتر در عرصهٔ دزدی در جهان به شمار می‌آیند. کشور "سویدن" بلندترین میزان تجاوزجنسی را در جهان داراست. در سال ۲۰۱۵م میزان تجاوز در سویدن به ۵۶٫۷ قضیه در هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر می‌رسید. کشورهای آیسلند، گویانا، ایالات متحدهٔ آمریکا و السلوادور از جملهٔ پنج کشور برتر در عرصهٔ تجاوزجنسی در جهان به حساب می‌آیند. کشور "لبنان" بلندترین میزان اختطاف را در جهان داراست. در سال ۲۰۱۶م میزان اختطاف در لبنان به ۱۷۷٫۷ قضیه در هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر می‌رسید. کشورهای ترکیه، کانادا، پاکستان، سینت وینسنت و گرینادا از جملهٔ کشورهای برتر در عرصهٔ اختطاف در جهان محسوب می‌شوند. کشور "گرینادا" بلندترین میزان قتل را در جهان داراست. در سال ۲۰۱۶م میزان قتل در گرینادا به ۱،۷۲۱،۹ قضیه در هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر می‌رسید. کشورهای سینت وینسنت، گرینادا، باربادوس، فرانسه و کولمبیا از جملهٔ پنج کشور برتر در این عرصه می‌باشیند.

این تنها چند مثال محدودی است که واضح می‌سازد که قوانین، امنیت و عدالت در نظام‌های دموکراتیک و یا هر نظامی دست ساختهٔ بشر خیال محض است. نظام حاکم فعلی به هیچ‌وجه موافق با فطرت بشر نبوده و تنها هرج‌ومرج را در جامعه هدیه می‌دهد. به

خاطر مفکوره‌های؛ مانند: مادی‌گرایی، آزادی‌ها، فقر بی‌سابقه، استفاده مواد الکولی و نشه‌آور، عدم مسوولیت‌پذیری، نظام فاسد، فساد گسترده، رشوه و ده‌ها دلایلی دیگر، جرم و جنایت در هر کشور را به حد اعظمی آن رسانیده است. سوال اساسی این است که چگونه اسلام جلو جرم و جنایت، بی‌قانونی و ناامنی را گرفته و به این مشکلات نقطه پایان می‌گذارد؟ ما می‌دانیم که سایه جهالت جامعه عرب‌های جاهلیت در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را نیز پوشانیده بود. مهم‌ترین ویژگی زندگی اعراب قبل از اسلام این بود که آن‌ها هرگز به کسی تن نمی‌دادند به جز از سران قبیله خود و آن‌ها کدام قانون مشخصی نداشتند. تنها قانون آن سرزمین بی‌قانونی بود. جعفر ابن ابی طالب برای نجاشی پادشاه حبشه واضح می‌سازد که آن‌ها قبل از اسلام چگونه بودند: « ما مردم جاهلی بودیم، بت‌ها را پرستش می‌کردیم، گوشت حیوانات مرده را می‌خوردیم، اعمال زشتی را انجام می‌دادیم، از اقارب خود دوری می‌جستیم، با نزدیکان و همسایه‌گان خویش بدرفتاری می‌کردیم و قوی ما بر ضعیف ما ستم می‌کرد.»

نزول اسلام، شیوه زندگی عرب‌های جاهل را تغییر داد. اسلام برای بشریت اهمیت می‌دهد و برایش اساسات پاداش و جزا برای هر عمل‌اش را واضح می‌سازد. این آگاهی که الله سبحانه‌وتعالی همیشه مراقب اعمال شماست، صفت تقوا را در وجود مسلمانان زنده نگه می‌دارد. در نتیجه، برعکس نظام سرمایه‌داری، بشر قادر خواهد بود تا هوای نفس‌اش را حبس کرده و در تله‌های افکار مادی‌گرایی و آزادی که یقیناً به فحشا و فساد جامعه می‌انجامد، نیفتد. بدین ملحوظ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم ریختاندن خون انسان را به خاطر قوم و یا هم هر مقصد شخصی دیگر منع نموده است. هم‌چنان دزدی و زنا را نیز حرام کرده است؛ ضمناً وی صلی‌الله‌علیه‌وسلم اقدام به هر نوع عملی که امنیت، جان، مال، عزت و وقار مردم را تهدید می‌کند، منع کرده است. افتراء بستن، غیبت و عواید ناعادلانه؛ مانند: سود، بازارسیاه و رشوه را حرام قرار داده است. به طور مثال: در جامعه عرب هنگامی که یکی از افراد یک قبیله کشته می‌شد، قبیله متضرر چندین تن از افرادی قبیله دیگر را قصاص می‌نمود. اما اسلام کاملاً این رسم قبیله‌ای را رد نمود. بر اساس اسلام تنها قاتلی که قتل‌اش ثابت است، قصاص می‌گردد؛ زیرا اسلام کشتن انسان را بدون ثبوت منع نموده است. مثال دیگری آن را بردگی تشکیل می‌دهد. رویه و رفتار بادار با برده کاملاً مملو از ظلم، حقارت و محض استفاده شخصی بود. اسلام هم‌چنان این رفتار را تغییر داد. الله سبحانه‌وتعالی بهره‌وری از برده‌ها را ممنوع قرار داد.

﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ لَا يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۗ وَآتُوهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۗ وَلَا تَكْرَهُوا قِتْيَانَكُمْ عَلَىٰ الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [النور: ۳۳]

ترجمه: کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند! و آن بردگان‌تان که خواستار مکاتبه (قرارداد مخصوص برای آزادشدن) هستند، با آنان قرارداد ببندید؛ اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)؛ و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید؛ و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خودفروشی نکنید؛ اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند؛ هرکس آن‌ها را (بر این کار) اجبار کند؛ (سپس پشیمان گردد) خداوند بعد از این اجبار آن‌ها غفور و رحیم است (توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را

بیخشد!)

مثال دیگری آن را دزدی شکل می‌دهد. در دره "وادان" که مکه را با دیگر کشورهای جهان وصل می‌کند، قبیله‌ی زندگی می‌کرد به نام غیفار. این قبیله به خاطر حمله بالای کاروان‌های تجارتهی و یورش بالای قبایل ضعیف به بدنامی مشهور بود. در واقع آن‌ها کسانی بودند که حتی در ماه‌های حرام که توسط تمام عرب‌ها حرمت گذاشته می‌شد و قتل و کشتار را حرام کرده بودند، حرمت این ماه‌ها را نداشتند. اساساً آن‌ها بالای این تمرکز داشتند که چگونه از دیگران بدزدند. بعد از این که این قبیله اسلام را با آغوش گرم می‌پذیرند، آن‌ها این عمل زشت خود را به خاطر دین ترک می‌کنند. در حقیقت قرآن واضح بیان می‌دارد که دست دزد مرد یا زن را به خاطری عملی که انجام داده است قطع شود. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [مائده: ۳۸]

ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است.

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم امر نموده است تا از طریق کمایی حلال ثروت‌مند شویم و از تمام طریقه‌های حصول مال حرام منع نموده است. وی صلی الله علیه و سلم از فریب کاری نیز روی گشتانده است؛ وقتی که دانست گندم‌هایی که در بالای جوال گذاشته بودند خشک و گندم‌های پایین جوال تر بود، فرمودند:

«کسانی که خاین‌اند از ما نیست.» (مسلم)

الله سبحانه و تعالی رزق هرکس را قبل از تولدش تعیین نموده است و این مفهوم دیگری اسلامی می‌باشد. درک این مفکوره مردم را از این مفهوم غلط که با دزدی، سرقت و خیانت ثروت شخص افزون می‌گردد، باز می‌دارد. برعلاوه، نظام اقتصادی عادل اسلام برای هر شهروند شرایطی زندگانی مساویانه و مصون را فراهم می‌سازد و این امکان را که یک طبقه مردم جامعه در فقر و طبقه دیگر در رفاه و آسایش زندگی کنند را می‌زاید؛ یقیناً که این کار جامعه را به سوی فساد و نابرابری‌های مالی سوق می‌دهد.

موضوع دیگر ایجاد شرایطی مصون و امن در جامعه است. اعمار اولین مسجد یکی از عناصر مهم ایجاد اخوت بود و یکی از مراحل مهم صمیمیت، محبت، هماهنگی و امنیت در میان مسلمین به شمار می‌رفت. در ضمن نظام سیاسی که در مدینه حاکم شد امنیت دو جانبه را میان دولت و مردم فراهم ساخت. پیامبر صلی الله علیه و سلم که رئیس دولت در مدینه بود با مسلمانان و غیر مسلمانان بر اساس عدالت و برابری که حق آن‌ها بود، رفتار می‌نمود؛ که در واقع این همه در قوانین اسلامی مقدس و محترم شمرده می‌شد. برعلاوه، در جامعه اسلامی نظری همه‌قبول و همه‌جانبه اسلامی در ارتباط با رفتارهای اخلاقی و دوری از فساد، فحشا و اعمال زشت وجود دارد. این قوانین مردم را از ارتکاب جرم و اقدام اعمال غیراخلاقی باز می‌دارد. هنگامی که اسلام بر جهان سلطه یافت، تمام معیارهای زشت جامعه و فرهنگ‌های غیراخلاقی فوق‌الذکر از بین رفت. این نشان دهنده آن است که اسلام چگونه جهان‌بینی جامعه اعراب را با حکمرانی‌اش از منشأ اصلاح می‌کند و هم‌چنان کشورهای دیگری که زیر سلطه اسلام قرار می‌گرفت، اعمال جاهلانۀ خویش را با معیارها، اعمال و عقیده ناب اسلام عوض می‌کردند؛ و اعمال خود را با مسؤلیت‌پذیری از طرف الله

سبحانه و تعالیٰ به سر می‌رساندند. اسلام با تطبیق احکام‌اش در هر سرزمین میزان جرم، بی‌نظمی و ناامنی را به حد اعظمی آن کاهش داد. اسلام با حکمرانی‌اش چنان عزت و شوکت را برای ملت‌ها و رهبریت جهان به جا گذاشت که امنیت و رفاه و آسایش را برای هر شهروندی هدیه داد. دقیقاً این همان آفتابی‌ست که بشریت حالا بیش‌تر از هر زمان نیازمند آن است. همان شکلی که اسلام جامعهٔ عرب را منور نمود و از تاریکی‌های جهالت رهانید؛ به همان ترتیب تنها اسلام می‌تواند بشریت را از جرایم، بی‌نظمی و ناامنی در سطح جهان رهایی بخشد.

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸]

ترجمه: بگو: این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همهٔ مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.

نویسنده: آمنه "عابد"

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: عبدالله صالحی